روزنامه همدلی
روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ _ ۵ شوال ۱۴۴۲_ ۱۷ می ۲۰۲۱

سال ششم _ شماره ۱۶۸۸ _ ۸ صفحه _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

آخرین برآوردها از ۳۵۰هزار میلیارد تومان کسری بودجه

تورم ۷۰ تا ۱۰۵درصدی در پشت اعداد دخل و خرج دولت

۶

گزارش همدلی از نرخ رشد جمعیت در گفت‌وگو با یک جمعیت‌شناس

عقب‌ماندگی از سیاست‌های کنترل جمعیت در ایران

۴

سردرگمی فعالان چهارراه استانبول

ابهامات دلاری

همدلی| قیمت خرید دلار در حالی روز گذشته با رسیدن به ۲۱ هزار و ۹۶۴ تومان و نرخ فروش ۲۲ هزار و ۳۲۰ تومان با روند صعودی همراه بود، که به گفته نایب رئیس اتحادیه طلا و جواهر: «به علت افزایش قیمت ارز در روز یکشنبه شاهد افزایش قیمت‌ها در بازار طلا و سکه بودیم».

۶

فوتبال میدان گلادیاتورها نه پوریای ولی

۸

احیای برجام پرشتاب ادامه دارد

۳

گزارش همدلی از احتمال ورود کشور به فاز جدید

موج پنجم کرونا در راه است

۴

بررسی یک ترفند انتخاباتی برای حضور در دولت بعدی

کاسبان انصراف

همدلی| انتخابات یک فرصت مناسب سیاسی است، نه فقط برای چهره‌هایی که می‌خواهند به پاستور برسند، بلکه برای همه آن‌هایی که فکر می‌کنند می‌توانند با نزدیک شدن به چهره‌های مطرح از آنان نردبانی برای خود بسازند و به این ترتیب در دولت آینده یک جایی را برای خود دست و پا کنند. به تعبیر دیگر همه آن‌هایی که به ستاد انتخابات کشور مراجعه می‌کنند، الزاما این امید و انگیزه را ندارند که تأیید صلاحیت شوند یا به پیروزی برسند، بلکه در برخی موارد این امید را دارند تا با جاگیری به موقع و مناسب جای خود را در دولت بعد محکم کنند.از روزی که ثبت نام داوطلبان برای انتخابات ریاست جمهوری شروع شد، برخی اعلام انصراف کردند. افرادی که بعضا اصلا نام‌شان هم برای انتخابات خیلی مطرح نبود با صدور اطلاعیه‌ای گفتند که انصراف می‌دهند. این بازار داغ انصراف در بین اصول‌گرایان بیشتر بود و اتفاقا در این جبهه سیاسی هم بیشتر از همه رنگ و بوی استفاده ابزاری داشت، چرا که الان پیروزی ابراهیم رئیسی بنابر قرائن و شواهد متعدد از همه محتمل‌تر است. اما نگاهی به انصرافی‌ها بهتر این ماجرا را روشن می‌کند. مثلا علی نیکزاد، نایب‌رئیس مجلس یازدهم و ازجمله اصول‌گرایانی که مخاطب نامه شورای وحدت بودند هم دیروز انصراف خود از انتخابات را اعلام کرد. او که جز ریاست بر ستاد رئیسی در انتخابات ۹۶، چند صباحی استاندار اردبیل بوده و چند سالی وزیر مسکن و شهرسازی احمدی‌نژاد، در توئیتی از دغدغه‌هایش گفت و با اعلام حمایت از رئیسی نوشت: «اکنون که سیدابراهیم رئیسی با همین دغدغه‌ها پا به عرصه انتخابات گذاشته‌اند، این تکلیف انقلابی را از دوش خود برداشته می‌پندارم و انصراف خود را از نامزدی در انتخابات اعلام می‌دارم.»

۲

پروین بهمنی در گفت‌وگو با همدلی:

«عاشق»های قشقایی مروج فرهنگ شیعی هم بوده‌اند

۷

روی خط انتخابات

- اعتراض مجلس به ردصلاحیت گسترده در انتخابات شوراها
- اصلاح‌طلبان در مرحله بررسی نامزدها
- شورای نگهبان پرونده ۵۵۷ نفر را از وزارت کشور تحویل نگرفت

چراغ سبز سیاسی و رسانه‌ای اروپا و آمریکا به حملات اسراییل به غزه

کشتار کودکان در سکوت

عکس: الجزیره

۳

سرمقاله

سانسور آدم‌کشی به شیوه اسراییلی و اروپایی

طاهر اکوانیان
روزنامه نگار

حمله اسراییل به مردم غزه و درگیری‌های درون‌شهری در مرزهای آن کشور ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است و ناظران جهانی و چشم‌های بیدار این فاجعه را در حد امکان رصد می‌کنند تا بتوانند وسعت تخریب خانه‌ها و کشتار شهروندان غیرنظامی غزه را به تصویر بکشند. اسراییل اما با حمله به ساختمان رسانه‌ها این فرصت را هم محدود کرد تا اخبار این حملات بر خلاف خواسته‌اش پخش نشود و مقدمات انزجار جهانی از عملکردش به راحتی فراهم نشود. یکی از تدابیر همیشگی حکومت‌های بسته و افراد و مراجعی که در پی سرپوش گذاشتن بر جنایات خود هستند، مقابله با رسانه‌ها و محدود یا خفه کردن صدای آنان با هر روشی است. اما این‌که با قدرت نظامی به خصوص بمباران و موشک باران، بخواهی رسانه‌های متعلق به کشورها و ملت‌های دیگر سرکوب کنی و مانع از انجام رسالت‌شان شوی تنها از حکومت اسراییل برمی‌آید. خبر این بود که دولت اسراییل به ارتش این کشور فرمان داد تا به ساختمانی که خبرنگاران شبکه‌های خبری آمریکایی، فرانسوی و شبکه الجزیره قطر در آن مستقر بودند حمله کرده و آن را به طور کامل تخریب کند و البته تصاویر این حمله عجیب را با بهترین کیفیت نیز به جهان مخابره کرد. این عمل پیش از آنکه در راستای اهداف تخریبی و ویرانی شهر غزه باشد، به شکلی آشکار این پیام را به همه جهان مخابره کرده که ما به هیچ وجه قصد شنیدن ناله‌ها و درد و زخم مردم فلسطین را نداریم و این‌که کسی حق ندارد اخباری غیر از آنکه ما می‌گوییم را پخش کند. آسوشیتدپرس در نخستین واکنش به این حمله پاسخ آن را این گونه داد:«اسراییل از مقر این دفتر مطلع بوده است.» و این را هم اضافه کرد که «آن‌ها مدت‌هاست محل دفتر ما را می‌دانند و اطلاع دارند که روزنامه‌نگاران در آنجا در حال کار هستند.» بنابراین اسراییلی‌ها می‌دانستند که خبرنگاران و عوامل اجرایی این رسانه‌ها در ساختمان «جلا» سرگرم چه کاری بودند؛ با این حساب آن‌ها عملا و عامدانه دست به حمله به نهاد رسانه و قوانین مرتبط با آن زده‌اند. این اقدام نقض فاحش قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی است، که معلوم است کوچک‌ترین اهمیتی برای اقدام‌کنندگان این عمل ندارد. نشانه‌ای از این‌که خبر اگر بنابه خواست و نظر ما نباشد نباید به بیرون درز پیدا کند و هر گونه خط خبری باید با هماهنگی ما در رسانه‌ها بازتاب داده شود. آنچه در غزه اتفاق افتاده است، موجب می‌شود که جهان کمتر از جنایت صورت گرفته آگاه شود، هر چند به هر شکل تصاویر و فیلم‌هایی که مردم کوچه و خیابان می‌گیرند خود می‌تواند صدای آن‌ها باشد. هدف نتانیاهو از انجام این حمله را وقتی بهتر می‌توان درک کرد؛ که مشاهده می‌کنیم افکار عمومی جهان به شدت نسبت به کشتار غزه حساس شده‌اند و اعتراضات در سراسر دنیا با جدیت و از طرف افراد و گروه‌های مستقل و نوع‌دوست در حال برگزاری است. البته کشورهایی که به قطعنامه‌های بین‌المللی بی‌اعتنا هستند و کنوانسیون‌های حقوق بشری را نادیده می‌گیرند، در داخل و خارج از مرزهایشان هر جنایتی را به راحتی مرتکب می‌شوند و به نوعی ماهیت وجودیشان در تناقض با این حملات نیست. اسراییل هم هیچگاه به اولین قطعنامه صادره از سوی شورای امنیت سازمان ملل (۱۹۴) که متضمن حق بازگشت آوارگان به خانه‌های خود در سرزمین مادری است، عمل نکرده است. تلاش اسراییل در جهت بی‌خبر گذاشتن افکار عمومی به احتمال زیاد برای ارتکاب جنایات بعدی و سنگین‌تری است که این چنین آشکار و بی‌خیال از واکنش‌های متفاوت جامعه جهانی صورت گرفته است. در سوی دیگری از این ماجرای نابرابر دولت‌های اروپایی و آمریکا هم در این آزمون فارغ از موضعگیری‌های مستقل مردمی، در کنار اسراییل بودند و با محدودیت‌های مختلف نمیگذارند صدای مخالفت عمومی ملت‌ها حملات وحشیانه اسراییل را محکوم کند. فرانسه و اتریش اعتراض سراسری به اقدامات اسراییل را در کشورهای خود ممنوع کردند. دوشبکه آمریکایی و چینی فیسبوک و تیک‌تاک نیز به اسراییل قول داده‌اند که مانع از ایجاد احساسات ضداسراییلی در میان کاربران خود شوند و این یعنی که محتواهایی که در محکومیت آدم‌کشی اسراییلی‌ها تولید شود، از این شبکه‌ها امکان انتشار ندارند. سکوت یا همراهی خبری کشورهای به اصطلاح آزاد و معتقد به جریان آزاد اطلاعات با جنایات حکومت اسراییل یک بار دیگر تناقض میان ادعا و عمل کشورهای مدعی آزادی را برملا کرده است تا نشان دهد که گویی جان کودکان و زنان و غیرنظامیان فلسطین در ارزش‌های مورد ادعای غرب چندان جایگاهی ندارد.

شورای نگهبان پرونده ۵۵۷ نفر را از وزارت کشور تحویل نگرفت

۳۵نامزد در مرحله نیمه نهایی

همدلی| یک روز پس از پایان نام‌نویسی داوطلبان نامزدی انتخابات ریاست جمهوری، روح‌الله جمعه‌ای مشاور وزیر کشور گفت: مدارک تمام داوطلبان شرکت در انتخابات ریاست جمهوری که در ستاد انتخابات کشور ثبت نام کرده بودند به طور کامل به شورای نگهبان تحویل داده شده است، اما خبرها حاکی از آن است که شورای نگهبان تنها پرونده ۳۵ نفر را تحویل گرفته است. موضوعی که اگرچه در میان شورای نگهبان به عنوان نهاد ناظر بر انتخابات و دولت به عنوان نهاد مجری، می‌تواند به چالشی تبدیل شود، اما به نظر نمیرسد که دولت چندان امکانی برای تاثیر گذاشتن بر شورای نگهبان داشته باشد و در نهایت تسلیم نظر این شورا شود. در حالی که جمال عرف رئیس ستاد انتخابات کشور روز شنبه پس از پایان وقت قانونی نام‌نویسی داوطلبان انتخابات ریاست جمهوری گفته بود که ۵۹۲ نفر با حضور در وزارت کشور داوطلب سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری شدند، اما خبرگزاری مهر خبر می‌دهد که از این میان، تنها ۳۵ داوطلب در چارچوب مصوبه انتخاباتی شورای نگهبان هستند. که عبارتند از: ۱-علی لاریجانی ۲- سیدابراهیم رئیسی۳- سعید محمد ۴- حسین دهقان ۵- محمدحسن نامی ۶- محمود احمدی‌نژاد ۷- صادق خلیلیان ۸ - محمد عباسی ۹- امیرحسین قاضی‌زاده ۱۰ - رستم قاسمی ۱۱ - حسن سبحانی ۱۲- مسعود پزشکیان ۱۳ - علیرضا افشار ۱۴ - فریدون عباسی ۱۵ - شاهین محمدصادقی۱۶- علی مطهری۱۷- محمود صادقی۱۸- محسن مهرعلیزاده۱۹- اسحاق جهانگیری ۲۰- مصطفی کواکبیان ۲۱ - عزت‌الله ضرغامی۲۲ -سیدشمس‌الدین حسینی۲۳ - ابوالحسن فیروزآبادی۲۴ - مسعود زریبافان ۲۵- علیرضا زاکانی ۲۶ - رسول منتجب‌نیا ۲۷ - عبدالناصر همتی ۲۸- زهرا شجاعی۲۹ - محسن رضایی ۳۰- سعید جلیلی ۳۱- عباس آخوندی۳۲- محمد خوش‌چهره ۳۳- محمد شریعتمداری۳۴- قدرتعلی حشمتیان۳۵- محمدرضا صباغیان.

این فهرست وقتی جالب می‌شود که بدانیم نام چند نفر از نامزدهای مطرح انتخابات در این فهرست ۳۵ نفره نیست.براساس این گزارش چهره‌های سیاسی‌ای همچون «محسن هاشمی»، «رامین مهمان‌پرست»، «محمدحسین قدیری ابیانه»، «سیدمصطفی تاجزاده»، «محسن رهامی»، «محمدجواد حق‌شناس» و «محمد زارع فومنی» در میان غایبان این فهرست هستند که گفته می‌شود سوابق اجرایی‌شان نه در چارچوب بندهای «الف، ب، ج» ماده ۷۱ قانون خدمات کشوری است و نه در چارچوب سمت‌هایی است که شورای نگهبان در مصوبه اخیر خود اعلام کرده است. از این‌رو گفته می‌شود که اصلاً پرونده افراد مذکور، روی میز شورای نگهبان قرار نخواهد گرفت و ازهم اکنون در فهرست رد صلاحیت شده‌ها جا می‌گیرند.

حدود دو هفته پیش بود که شورای نگهبان شرایط جدیدی را برای کاندیداهای ریاست جمهوری به تصویب رساند و به دولت اعلام کرد.موضوعی که با مخالفت برخی از فعالان سیاسی و حقوقی قرار گرفت، به گونه‌ای آن را دخالت این شورا در امر قانونگذاری می‌دانستند، وظیفه‌ای که بر طبق قانون تنها برعهده و در اختیار مجلس است.

پس از آن بود که رئیس‌جمهور به وزارت کشور دستور داد که در برگزاری انتخابات براساس جمع‌بندی نظریه تفسیری معاونت حقوقی ریاست‌جمهوری و طبق قوانین موجود عمل کند. در تفسیری که از سوی معاونت حقوقی ریاست جمهوری، منتشر شده بود، تاکید شد که «وزارت کشور مکلف است وظایف اجرایی خود در زمینه انتخابات ریاست‌جمهوری را بر اساس قوانین موجود و آیین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به آنها انجام دهد.»

بلافاصله پس از این دستور رئیس جمهور، عباسعلی کدخدایی، سخنگوی شورای نگهبان در پیامی توئیتری نوشت: «مصوبه شورای نگهبان در خصوص شرائط ثبت نام کنندگان انتخابات ریاست جمهوری برای وزارت کشور و دیگر مجریان لازم‌الاجراست.»

وی افزود:«بدیهی است کسانی از نظر این شورا ثبت نام کننده تلقی می‌شوند که مدارک مذکور در مصوبه این شورا را هنگام ثبت نام ارائه کرده باشند.»

در همین ارتباط روز گذشته سخنگوی شورای نگهبان مکانیسم تایید صلاحیت نامزدها را اینگونه تشریح کرد:«ملاک ما رأی نهایی اعضای شورای نگهبان است و با توجه به ۱۲نفر عضو شورای نگهبان، ۷ رأی مثبت برای احراز صلاحیت لازم است.»

اکنون که گفته می‌شود شورای نگهبان تنها پرونده ۳۵ نفر از ۵۹۲ نفر داوطلب نامزدی انتخابات ریاست جمهوری را پذیرفته است و در نهایت نیز نام نامزدهای نهایی را از میان این ۳۵ نفر به وزارت کشور اعلام خواهد کرد، به نظر می‌رسد که دولت قدرتی برای اصرار بر نظرات خود نداشته باشد و در نهایت تسلیم نظر و عمل شورای نگهبان خواهد شد.

یادداشت

انتخابات ۱۴۰۰ و علی لاریجانی

دکتر صلاح‌الدین هرسنی
مدرس علوم سیاسی

سرانجام علی لاریجانی پس از کش‌وقوس‌های فراوان، رسماً کاندیدای ریاست جمهوری شد. وی پیش از این یک بار شانس خود را در انتخابات ریاست جمهوری سال ۸۴ آزموده بود، اما توفیق نیافت و نتیجه را به همراه آیت‌الله رفسنجانی، محسن رضایی، محمدباقر قالیباف، محسن مهرعلیزاده و مصطفی معین، به احمدی‌نژاد واگذار کرد.

البته تا پیش از ثبت‌نام قطعی این چهره اصول‌گرا در انتخابات، تردیدهای زیادی در مورد حضور او مطرح شده بود، چراکه او در باره عدم حضور خود در انتخابات مجلس یازدهم گفته بود که از هیچ حوزه‌ای نامزد انتخابات مجلس یازدهم نخواهد شد، زیرا هر چه در توان داشته، برای کشور انجام داده است. اما در همان هنگامی که وی از کاندیداتوری انتخابات یازدهم مجلس امتناع ورزیده بود، این امتناع او موجب تحلیل و تفسیرهای زیادی از سوی محافل رسانه‌ای و خبری شده بود. در این ارتباط، برخی از دیدگاه‌ها امتناع علی لاریجانی در کاندیداتوری انتخابات یازدهم مجلس را پایان سیاست‌ورزی و برخی دیدگاه‌ها نیز چنین مواضعی را به معنای دورخیزی برای ریاست جمهوری ۱۴۰۰ تفسیر کرده بودند. حالا و در شرایطی که او رسما برای نامزدی انتخابات۱۴۰۰ ثبت نام کرده است، معلوم و مشخص می‌شود که بخشی از آن تحلیل‌ها در این باره کاملا درست بوده و امتناع او در انتخابات مجلس یازدهم به جهت سودای فتح پاستور بوده است. اما پرسش آن است که شرایط وی در انتخابات پیش‌رو چگونه خواهد بود و قرار است کدام جریان سیاسی را نمایندگی کند و آیا می‌تواند به پاستور راه یابد؟

کلید پاسخ به پرسش مرتبط با شرایط وی در انتخابات، قبل از هر چیز مربوط به شناخت موقعیت و جایگاه سیاسی لاریجانی در سپهر سیاست کنونی کشور است. این موقعیت او را می‌توان به خوبی با نوع نگاه و نگرش محافظه‌کاران نسبت به او ارزیابی کرد. برای نمونه کافی است که اظهارنظرها و البته حملات سازمان‌یافته چهره‌های مطرح یا همان الیگارهای جریان اصول‌گرا آن هم در پایان نشست خبری‌اش را به خوانش بگیریم تا متوجه شویم که لاریجانی در سپهر سیاسی کنونی کشور چه جایگاه و موقعیتی دارد؟ برای نمونه، ابراهیم رئیسی در واکنش به نامزدی لاریجانی گفت:«بانیان و شرکای وضع موجود نمی‌توانند تغییردهنده وضع موجود باشند.» سعید محمد، یکی دیگر از نامزدهای ریاست‌جمهوری در این دوره از انتخابات که از قضا از پادگان آمده و سابقه نظامی دارد، در صفحه توئیتر خود نوشت:«به کسانی که هویت خودشان را مدیون پادگان و دادگاه هستند به صراحت می‌گویم به حول و قوه الهی، امروز آغازی بر پایان اشرافیت خانوادگی است.» محسن رضایی نیز از فرصت حمله به لاریجانی استفاده کرد و قویا در پاسخ به لاریجانی به کنایه گفت:«ما مسئولان کشور باید شرمنده ملت ایران باشیم. با این‌که من تاکنون در مجلس و قوه قضائیه و دولت نبودم، اما من هم شرمنده ملت ایران هستم»

ادامه در صفحه ۵

یادداشت

آقای ارجمند، واقعاً سانسور خوب است؟

علی نامجو
روزنامه‌نگار

همیشه دم‌دمای انتخابات که می‌شود برخی از اهالی هنر در شاخه‌های مختلف می‌دوند در باند و ستاد انتخاباتی این یا آن؛ البته تأکید می‌کنم که بعضی از هنرمندان این مسیر را در پیش می‌گیرند و جا خوش می‌کنند میان طرفداران کاندیداهای طیف‌های مختلف و به تریبون تبلیغاتی آنان بدل می‌شوند. این روزها هم باید منتظر بمانیم تا ببینیم پیران و جوانان این عرصه کی می‌خواهند وارد کارزار شوند و خودشان را هزینه کنند برای پیروزی نامزدی خاص. حتماً شما هم در خاطر دارید که کدام چهره‌های معروف یا در اصطلاح سلبریتی در دوره قبلی انتخابات ریاست جمهوری کارکردشان را به تبلیغاتچی بودن تقلیل دادند و اکنون فرورفته‌اند در کنجی و دم برنمی‌آورند چون دستکم اگر خودشان را مسبب اوضاع‌واحوال وخیم این روزهای مردم ندانند، جامعه به آنان به‌عنوان کسانی که در به وجود آمدن وضع موجود مؤثر بوده‌اند، نگاه می‌کند. این‌که هر یک از ما به سمت یک جریانی سیاسی گرایش داشته باشیم و از تفکر و اندیشه خاص دیگری در این حوزه دوری کنیم، طبیعی است، اما به گمانِ بسیاری از هنرمندان اصیل، آلودن دامن پاک هنر به سیاست درنهایت نتیجه خوبی به دنبال نخواهد داشت. این روزها یکی از پیران و موی سپیدکردگان هنر ایران پیش و بیش از بقیه وارد میدان شده و دارد حرف‌هایی می‌زند که دستکم در ابتدای استقرار دولت حاضر از آن خبری نبود. استاد داریوش ارجمند که جایش روی تخم چشمان من است، دارد در میدانی جولان می‌دهد که به نظر نتیجه خوبی برای او و هنرش به ارمغان نخواهد آورد. خودش در این چندماهه بارها تأکید کرده که وجدانش قبول نمی‌کند پول‌های مشکوک بگیرد و همیشه به سرچشمه منابع مالی آثاری که در آن‌ها به ایفای نقش پرداخته، فکر کرده است، اما دست‌کم در تازه‌ترین گفت‌وگوی مطبوعاتی خود با یکی از تلویزیون‌های اینترنتی نشان داده که تمایل به بیان کردن سخنان مطلوب یک جریان خاص سیاسی را دارد. او حرف‌هایی زده که شنیدنش من یکی را متعجب کرد. ارجمند دقیقاً این جمله را به کار برده: «سانسور چیز بدی نیست.» بعد هم به مجری زنی که در حال مصاحبه با او بوده، این‌طور گفته که همین شال، شلوار و لباس شما سانسور است، وگرنه ما باید در جنگل با پوششی از برگ راه می‌رفتیم.

من بسیار کوچک‌تر از آنم که بخواهم به مرد هنرمندی چون او نصیحت کنم، اما می‌توانم از او یک خواهش کوچک داشته باشم؛ این‌که بگذارد خاطرات‌مان از بازی او در امام علی، آدم‌برفی و حتی ستایش همان‌طور زیبا و دست‌نخورده باقی بماند. از او و بقیه هنرمندان خواهش می‌کنم که لااقل اگر به نصیحت آن شاعر فقید که می‌گفت، هنرمندان بر حکومت‌اند نه با حکومت، عمل نمی‌کنند سعی کنند آرا و نظراتشان را به‌عنوان یک الگویی برای جامعه ارائه نکنند چون در نهایت باید تاوان این رویه را خود آنان بدهند.

یادداشت

پیامدهای تحرکات پوپولیستی برای جامعه مدنی

محمدرضا چمن‌نژادیان
فعال مدنی

از جوامع بدوی تا دنیای مدرن امروز ضرورت تبلیغات گفتمانی جهت انتقال پیام برای جذب مشتری و اقناع مخاطب انکارناپذیر است. شیوه‌ها و ابزارهای تبلیغ مبلغان در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی متفاوت و گوناگون است.تبلیغ در بعد تکوینی و تشریحی در جوامع بشری و مکاتب الهی و الحادی از خلقت آدم ابوالبشر تاکنون با اهداف خاص وجود داشته و مورد تایید بوده و در بُعد فردی و اجتماعی برای بشر مدنی‌الطبع امری اجتناب‌ناپذیر تشخیص داده شد و پیام‌های وحیانی با گفتار و کردار جهت‌دهنده انبیاء و حکیمان مبین اهتمام و اهمیت تبلیغات است.این تشخیص از روز نخست خلقت و استمرار مدنیت با اهداف غایی و تکاملی در راه و رسم‌های مادی و معنوی نهادینه شده است، زیرا بدون تبلیغ و اثربخشی آن گرایش آگاهانه انسانی، هدایت و مشارکت ابتر می‌ماند. گر چه پیام‌ها از مشروعیت قدسی هم با ادله، اعجاز و براهین معجزه‌وار برخوردار بودند، اما این مقبولیت اکثریتی بود که به آنان وجاهت و اقتدار مشروع برای اجراء و عمل می‌بخشید.عدم مشارکت و حمایت حداکثری تحقق رسالت قدسی و دنیوی را سخت یا ناممکن می‌کرد. بنابراین رسالت انبیاء الهی برای هدایت بشر بیشتر در قالب بشارت و انذار بوده است. هرگاه حضور و مشارکت حول قوم، قدرت و کسب غنایم بود، موفقیت یا نبود یا چندان عمیق و پایدار نبود یا هم دچار تزلزل و خیانت از درون جبهه خودی می‌شد. که تاریخ ادیان و حکومت‌ها مشحون از این اتفاقات است. بنابراین تبلیغات در طول تاریخ دینی و مصلحان بشری یا روشنگری فردی و جمعی در جهت زدودن ابهت غوغاسالارانه پوشالی طواغیت بود یا در صدد محو زنگارهای خرافی و دروغین مستبدین و مشرکان. زیرا مشرکان و مستبدان در پناه خرافات مسخ کننده، بر دست و پا و افکار مردمان، غل و زنجیر بندگی می‌زدند، تا اراده انسان‌های ساده و بی‌آلایش را در هاله‌ای از تقدس تحت تاثیر قرار دهند و به سوی مقبولیت خود سوق دهند.در عصر رسانه و انفجار اطلاعات نیز مشاهده می‌شود که برای مقبولیت بخشی به منویات فردی و اجتماعی، انحرافاتی القاء می‌شود که نه وجاهت علمی، عقلانی و قانونی دارند و نه از منظر قدسی توجیه‌پذیر هستند. در دنیای مدرن مردم‌سالارانه چنین رویه و عملکردی از ناحیه حاکمیت‌ها و جریانات سیاسی بسیار خطرناک است و می‌تواند ویران‌کننده باشد. در طول تاریخ ایران قیام‌های آزادیخواهانه مردم نیز آثار شوم و ناکام کننده، تحریکات و القائات غیرمدنی دیده می‌شود؛ نمونه‌های بارز را در قیام مشروطه و نهضت ملی شدن نفت به عینه می‌توان مشاهده کرد.ولی امروزه چرا برخی افراد و جریانات با نیات دینی و ملی به تحریک افکار عمومی متوسل می‌شوند؛ موضوعی که جای خالی آسیب‌شناسی آن به خوبی حس می‌شود؛ به نظر می‌رسد که علل آن را بیشتر می‌توان در دخالت‌های ناصواب در غیاب نهادهای مشروعیت‌بخش مردم‌سالاری دید.

ادامه در صفحه ۵